

گفت‌وگو با رویا جاویدنیا به بهانه پخش سریال «سایه‌بان» از آی فیلم

سریال نباید به مردم دروغ بگوید

به نظر تان چرا مردم سریال «سایه‌بان» را دوست داشتند؟ جاذبه‌هایش چه بود؟

فکر می‌کنم خیلی از مشکلات و معضلاتی که در این سریال مطرح شد، شبیه چیزی است که در زندگی روزمره مردم وجود دارد و با آن زندگی می‌کنند. این که بینندگان توانستند با این سریال هم‌ذات‌پنداری کنند از دلایل محبوبیت آن است. والدین و بچه‌ها توانستند خودشان را در این اثر پیدا کنند. والدین خودشان را به جای پدر و مادر «آرمان» یا خانواده «سهراب» می‌گذاشتند و بچه‌ها هم خود را در قالب جوان ترها می‌دیدند. به نظر من وقتی کسی را در سریال می‌بینیم که خیلی شبیه خودمان است، با او ارتباط برقرار می‌کنیم.

با توجه به تجربه‌ای که تاکنون به دست آورده‌اید، یک سریال باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مخاطب ایرانی آن را دوست داشته باشد؟

به نظرم مخاطب ایرانی و غیرایرانی فرقی ندارد، وقتی کاری از جان و دل مردم برآید و واقعی باشد، مورد پسند واقع می‌شود. وقتی به موضوعات واقعی فکر می‌کنیم، باید بگوییم سریال‌هایی مورد پسند واقع می‌شوند که مردم خودشان را در آن ببینند. البته گاهی اوقات ما خودمان را در سریال نمی‌بینیم، بلکه یکی از اقوام یا دوستانمان را در آن می‌بینیم و با نقش ارتباط برقرار می‌کنیم. در یک کلام می‌خواهم بگویم که نباید چیز مصنوعی به مردم تحویل دهیم. مخاطبان از چیزهای مصنوعی و غیرواقعی خوششان نمی‌آید. هر چه به واقعیت نزدیک شوی و عمق مسائل را به مخاطبان نشان دهی، بهتر با کار ارتباط می‌گیرند. گاهی اوقات واقعیت‌ها تلخ است اما به دل بیننده می‌نشیند. زندگی ما آدم‌ها سراسر شادی نیست، بلکه غم و ناراحتی هم دارد، به همین دلیل مردم با کارهای تلخ هم ارتباط برقرار می‌کنند.

خودتان از چه فیلم و سریال‌هایی خوشتان می‌آید؟

من از کارهایی خوشم می‌آید که دروغ نگویند.

«سایه‌بان» چه پیام خاصی برای مخاطبان خود داشت؟

اصولاً دنبال پیام نیستم ولی حتماً این سریال حرفی با مردم داشت. مخصوصاً این سریال پیامش خطاب به بزرگ‌ترها بود. شاید پیامش این بود که چقدر می‌توان مهربان‌تر بود و مسائل را سخت نگرفت. به نظر من این سریال می‌خواست بگوید که هر چقدر بیرون از خانه سختی و مشکلات داریم، باید آن‌ها را در کنار یکدیگر نرم و قابل تحمل کنیم. شاید می‌خواست بگوید که شما فکر می‌کنید چه کسی هستید که برای خودتان طبقه‌ای را تعریف کنید. البته می‌توان به لحاظ مالی و فرهنگی، تفاوت طبقاتی را درک کرد، اما نباید سفت و سخت بر این تفاوت‌ها تأکید داشت.

برای انتخاب یک نقش چه معیارهایی برایتان مهم است؟

برایم مهم است نقشی را بازی کنم که قبلاً آن را تجربه نکرده باشم. نقش‌های تکراری را دوست ندارم. هر چه نقش پرچالش‌تر و واقعی‌تر باشد، جذاب‌تر است. وقتی شوق اجرا کردن نقشی را داشته باشی می‌توانی این شوق را به تماشاگر منتقل کنی. بعضی چیزها را خودم دوست دارم و می‌خواهم که آن را در تصویر زندگی کنم. مثلاً وقتی بچه‌انداری چطور می‌توانی یک مادر باشی. نقش را می‌توانی بازی کنی ولی مادر نیستی. وقتی یک چیزی را درک می‌کنم، خیلی دوست دارم که به‌عنوان بازیگر آن را در اجرا زندگی کنم.

کارهای برادران محمودی چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

من در دو کار با آن‌ها همکاری داشته‌ام. چیزی که خیلی خوب متوجه شده‌ام این است که آن‌ها بسیار دغدغه مسائل اجتماعی را دارند. دغدغه‌مند بودن آن‌ها نسبت به موضوعات اجتماعی و مخصوصاً مسائل جوانان، خیلی واضح است.

به مدیوم و ژانر خاصی علاقه دارید؟

به کارهای واقعی علاقه‌مند هستم و ژانرهای پلیسی-جنایی، اکشن و اجتماعی را دوست دارم.

به نظر تان فضای مجازی برای بازیگران یک فرصت است یا تهدید؟

فکر می‌کنم این فضا تا حدی خوب و کمک‌کننده است. برخی افراد، از فضای مجازی کاسبی می‌کنند و از آن به‌صورت هوشمندانه بهره می‌برند. به‌طور کلی نمی‌توانم فواید این فضا را انکار کنم و به مزیت‌هایش واقف هستم اما من فضای شخصی خودم را دوست دارم. شاید در آینده به این نتیجه برسم که صفحه‌ای در فضای مجازی داشته باشم اما الان این نیاز را احساس نمی‌کنم. خیلی اهل فضای مجازی نیستم چون تصور می‌کنم که در درس‌هایم بیشتر از حسن‌هایم است. خیلی از بازیگران را می‌بینیم که می‌خواهند با صفحه‌هایی که درست می‌کنند دیده شوند و سر زبان‌ها باشند. البته بیشتر جوان‌ترها این فضا را دوست دارند، چون می‌خواهند مطرح شوند. اما من این دغدغه را ندارم و حوصله فضای مجازی را هم ندارم. به نظرم فضای خصوصی هر کسی به خودش ربط دارد اما متأسفانه در فضای مجازی می‌بینیم که برخی فحش می‌دهند و به‌درستی از این فضا استفاده نمی‌کنند. مثلاً در کشورهای پیشرفته از مراسم مختلف و کارهای بازیگران عکس گذاشته می‌شود اما در ایران این‌طور نیست.

پس به نظر تان فضای مجازی یک فرصت نیست؟

فضای مجازی مثل روزنامه‌های زرد است و هیچ اتفاق خاصی در آن نمی‌افتد.

الان مشغول چه کاری هستید؟

در سریالی مشغول فعالیت هستم که آقای محمد باشه‌آهنگر کارگردانی‌اش را برعهده دارند. اسم سریال «پس از آزادی» است که امکان دارد در آینده عوض شود. موضوع این سریال در مورد مسائل خانوادگی و اجتماعی است اما نمی‌توانم اطلاعات بیشتری بدهم.

نقدی بر مستند «کامران» بسیار استاندارد و بسیار معمولی

محمود صادقلو

پس از مدت‌ها یک فیلم خوش‌فرم در جشنواره مستند سیما پخش شد که با وجود موضوع نسبتاً تلخ از ناله کردن حذر دارد. هر چند که قهرمان بدون عزت نفسش در میان ترحم‌برانگیز بودن و رقت‌انگیز بودن دست و پامی‌زند. کاراکتر مثل موم در دست کارگردان است، همین موضوع باعث شده که تلخی اثر گرفته شود. «کامران» داستان بازیگر غیرمعروف است که سال‌هاست بازیگری را کنار گذاشته و بعد از ۲۳ سال تلاش می‌کند به آن فضا برگردد. این تلاش گاهی به بروز مسائلی توسط او منجر می‌شود، هر چند که «کامران» آنقدر سمج است که برای خود شرایط بهتری، هر چند از نظر روحی رقم می‌زند. «کامران» تلاش دوباره برای زندگی است توسط مرد میان‌سالی که زندگی خود را از دست‌رفته می‌بیند. سکانس درخشان فیلم، تست دادن او پیش یکی از بدترین بازیگران تاریخ سینمای ایران، یعنی «افشین هاشمی» است. «هاشمی» تلاش می‌کند «کامران» را هدایت کند. با اتکا به روش‌هایی که اگر خود هاشمی در مقابل یک انسان آگاه آن‌ها را به کار بگیرد، ظرف یک‌ساعت خود و تمام به‌اصطلاح اطلاعاتش در مورد بازیگری منهدم خواهد شد. اما «کامران» که حتماً بازیگر بهتری نسبت به «هاشمی» است، صبورانه تست می‌دهد تا بتواند روزنه‌ای به سوی هدفش پیدا کند. فیلم در ابتدا به معنای واقعی توی ذوق می‌زند و این تصور را ایجاد می‌کند که قرار است باز به تماشای فیلمی در ستایش بدبختی بنشینیم، اما لحظه به لحظه بهتر می‌شود و تماشاگر را به درون خود می‌کشد. فیلم در انتها موفق می‌شود بحث خود را از تلاش برای بازیگر شدن قهرمانش فراتر ببرد و مسئله‌ای مهم‌تر را مطرح کند؛ یک انسان شکست‌خورده که برای بقا تلاش می‌کند. حتماً باید اشاره کرد که این فیلم یکی از بهترین مستندهای مشاهده‌گر چند سال اخیر سینمای ایران است. همچنین حتماً باید گفت که کارگردان موفق می‌شود آنقدر موضوع را خوب پیش ببرد که به خود بگوییم، چقدر خوب می‌شد اگر کارگردانی کار از این هم بهتر بود. به‌خاطر همین می‌توان «کامران» را یک مستند خوب اما معمولی دانست؛ مستندی که حرفش را می‌زند اما موفق نمی‌شود لحظات انسانی تمام‌عیار خلق کند، هر چند که سکانس‌های عالی مثل ملاقات «کامران» با خانواده‌اش را در خود داشته باشد. خصلت خوب مشاهده‌گر بودن فیلم تبدیل شده به پاشنه‌آشیل فیلم. کارگردان مانیفست ندارد و نوعی وریته خلق کرده، اما موضوع اثرش قابلیت بسیار بالاتری داشت. مهاجرانی به این اشاره نمی‌کند که اساساً سینمای انحصاری و وابسته به نفت ایران بازیگرانی بزرگ‌تر از «کامران بهزادی» را هم حذف کرده و آب از آب تکان نخورده، چون اصلاً نیازی به نگرانی نیست که فیلمی مثل «محمد صلی‌الله» با رقم ۳ میلیون دلار ساخته شود و فروشی بسیار اندک داشته باشد. این نبودن تحلیل باعث می‌شود فکر کنیم نمای ورود «کامران» به جایی که مجید مجیدی عکس می‌گیرد اتفاقی است.



شهریانو جمعه‌پور

گفت‌وگو

«سایه‌بان» سریالی است که به کارگردانی برادران محمودی در سال ۱۳۹۶ ساخته و از شبکه دوم سیما پخش شد. این کار هم مانند دیگر تولیدات برادران محمودی به مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد. «سایه‌بان»، رفاقت دیرینه دو دوست به نام‌های سهراب و سعید را روایت می‌کند که به‌خاطر مشکلات مالی در معرض آزمایش قرار می‌گیرند. مشکلات روزمره یک خانواده ایرانی از جمله دغدغه درست کردن جهیزیه، بیکاری استقلال زناشویی، ورشکستگی، وام و بی‌پولی و... از جمله مسائلی است که در این مجموعه تلویزیونی به تصویر کشیده می‌شود. در این سریال بازیگران توانایی همچون رویا جاویدنیا، علی اوسینوند، امین تارخ، بهزاد فراهانی، کامران تفتی، مجتبی پیرزاده محمد ولی‌زادگان، رویا تیموریان، پریوش نظریه و محمدرضا غفاری جلوی دوربین رفتند. در حال حاضر این سریال از شبکه آی‌فیلم در حال پخش است. به همین بهانه با رویا جاویدنیا، یکی از بازیگران این مجموعه، گفت‌وگویی را ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.